



آفرین، جان آفرین پاک را

آن که جان، مجتهد و ایمان، خاک را

عطار نیشابوری

فصل اول

اسلام و انقلاب اسلامی

- خدمات متقابل اسلام و ایران
- اسوه ی نیکو
- امام خمینی (ره)
- ولای علی (ع)
- چشمه ی زاینده

خدماتِ متقابلِ اسلام و ایران

شاید اولین فرد مسلمان ایرانی، سلمان فارسی است که پیامبر بزرگوار اسلام (ص) درباره‌ی او فرمودند: «سلمانٌ مِنّا اهلِ البیت».

اسلام، آیین و قانونی است که متعلق به همه‌ی افراد بشر است و بر زبان خاصی تکیه نمی‌کند؛ بلکه هر ملتی با خطّ و زبان خود می‌تواند بدون هیچ مانع از آن پیروی کند. بنابراین اگر می‌بینید ایرانیان پس از قبول اسلام باز به زبان فارسی تکلم کردند، هیچ جای تعجب و شگفتی نیست.

یکی از موفقیّت‌های اسلام این است که ملل مختلف با زبان‌ها و فرهنگ‌های گوناگون، آن را پذیرفته‌اند و هر یک به سهم خود و با ذوق و فرهنگ و زبان مخصوص خود، خدماتی کرده‌اند.

اگر زبان فارسی از میان رفته بود ما امروز آثار گران‌بها و شاهکارهای اسلامی ارزنده‌ای هم چون مشنوی، گلستان، دیوان حافظ، آثار نظامی و صدها اثر زیبای دیگر نداشتیم. در سراسر این آثار، مفاهیم اسلامی و قرآنی موج می‌زند و پیوند اسلام را با زبان فارسی جاودان می‌سازد.

اکنون باید ببینیم آیا اسلام به ایران خدمت کرد یا نه؟ آیا اسلام روح تازه‌ای در پیکر ایرانی دید و تاریخ ایران را در مسیر بهتری انداخت و سبب شد استعدادهای مردم این سرزمین بشکفتد و ثمر بدهد یا برعکس؟ آیا اسلام موجب شد که ایرانیانی عالی‌قدر در جهان علم و فلسفه و عرفان و هنر و صنعت و اخلاق ظهور کنند و بلند آوازه شوند و نامشان جهانگیر گردد؟ پس از ظهور اسلام و تشکیل حکومت اسلامی و گرد آمدن ملل گوناگون در زیر پرچم اسلام، تمدنی عظیم و بسیار کم‌نظیر به وجود آمد که تاریخ، آن را به نام «تمدن اسلامی» می‌شناسد. در این تمدن، ملت‌های گوناگون از آسیا و آفریقا و حتی اروپا شرکت داشتند اما سهم عمده از آن ایرانیان است.

ایران در پرتو گرایش به اسلام هم‌دوش با سایر ملل اسلامی و پیشاپیش همه‌ی آن‌ها مشعل‌دار یک تمدن شکوهمند به نام تمدن اسلامی شد.

اسلام، دروازه‌ی سرزمین‌های دیگر را به روی ایرانی و دروازه‌ی ایران را به روی فرهنگ‌ها و تمدن‌های دیگر باز کرد که دو نتیجه برای ایرانیان حاصل شد: یکی این که توانستند هوش و لیاقت و استعداد خویش را به دیگران عملاً ثابت کنند؛ به طوری که دیگران آن‌ها را به پیشوایی و مقتدایی پذیرند؛ دیگر این که توانستند سهم عظیمی در تکمیل و توسعه‌ی یک تمدن عظیم جهانی به خود اختصاص دهند.

استعدادهایی نظیر بوعلی، فارابی، ابوریحان، خیام، خواجه نصیرالدین توسی، ملاحدر و صدها عالم طبیعی و ریاضی و مورخ و جغرافی‌دان و پزشک و ادیب و فیلسوف و عارف در این بنای عظیم

فرهنگ اسلامی پرورش یابند.

صمیمیت و اخلاص

ایرانیان خدمات بسیار شایانی به اسلام کرده‌اند و آن خدمات از روی صمیمیت و اخلاص و ایمان بوده است. از این جهت شاید ایرانیان در دنیا نظیر نداشته باشند؛ یعنی هیچ ملتی نسبت به هیچ دینی و آیینی این اندازه خدمت نکرده و صمیمیت به خرج نداده است.

خدمات ذوقی و هنری، نشان دهنده‌ی احساسات پاک و خالصانه‌ی ایرانیان است؛ زیرا سر و کارش با عشق و ایمان است. شاهکارهای بشری، تنها و تنها با عشق و ایمان پدید می‌آیند. شاهکارهای هنری ایران در دوره‌ی اسلامی اعم از معماری، نقاشی، خوش‌نویسی و ... بیش‌تر در زمینه‌های دینی - اسلامی بوده است.

کنجینه‌های قرآن که در موزه‌های مختلف کشورهای اسلامی و غیراسلامی هست، اوج هنر ایرانی را در زمینه‌های اسلامی و در حقیقت، جوش روح اسلامی را در ذوق ایرانی نشان می‌دهد.

ایرانیان در غیر ایران نیز آثار هنری و اسلامی زیادی به وجود آورده‌اند. در برخی کشورهای غیراسلامی که مسلمانان در اقلیت‌اند، مانند هند و چین، آثار اسلامی زیادی هست که با دست ایرانیان به وجود آمده و سند اخلاص ایرانیان نسبت به اسلام است.

یکی از مظاهر خدمات ذوقی و فرهنگی ایرانیان به اسلام، خدماتی است که از راه زبان فارسی به اسلام کرده‌اند. ادبا و عرفا و سخنوران ایرانی حقایق اسلامی را با جامه‌ی زیبای شعر و

نثر فارسی به نحو احسن آرایش داده‌اند و حقایق اسلامی و معانی لطیف قرآنی را در میان حکایاتی شیرین آورده‌اند. «مثنوی مولانا» بهترین شاهد برای سخن ماست.

شهید مرتضی مطهری



- ۱- معنای «سَلْمَانٌ مِّنْ أَهْلِ الْبَيْتِ» را بیان کنید.
- ۲- مقصود از «خدمات ذوقی و هنری» را بازگو کنید.
- ۳- به نظر شما چگونه می‌توان به تمدن اسلام و ایران بیش‌تر خدمت کرد؟
- ۴-

به این جمله‌ها توجه کنید :

- اسلام، روح تازه‌ای در پیکر ایرانی دمید.
- اسلام، روح تازه‌ای در پیکر ایرانی می‌دمد.
- اسلام، روح تازه‌ای در پیکر ایرانی خواهد دمید.

نکته‌ی اوّل

در سال‌های گذشته خواندیم که جمله از دو جزء **نهاد** و **گزاره** تشکیل می‌شود و **فعل** مهم‌ترین جزء گزاره است. فعل در یکی از زمان‌های **گذشته** (ماضی)، **حال** (مضارع) و **آینده** (مستقبل) روی می‌دهد. آیا می‌توانید زمان جمله‌های بالا را معین کنید؟

نکته‌ی دوم

برای ارتباط با دیگران و بیان مقصود خود از **زبان** استفاده می‌کنیم. هر ملت و سرزمینی زبان ویژه‌ای دارد که فرهنگ، باور، فکر و اندیشه‌ی آن‌ها را نشان می‌دهد. زبان معمولاً به شکل **گفتار**، **نوشتار** و **اشاره** ظاهر می‌شود. گفتار را به‌طور طبیعی از اطرافیان و محیط زندگی خود می‌آموزیم اما نوشتار به آموزش و یادگیری نیاز دارد. هرگاه نتوان شکل گفتاری را به کار گرفت، از زبان اشاره استفاده می‌شود. نوشتار از دو شکل دیگر ماندگارتر است و باعث ارتباط بین نسل‌هاست. برای نوشتار از خط استفاده می‌کنیم. خط، مجموعه‌ای از نشانه‌های مکتوب زبان است که در زبان‌های گوناگون، شکل‌های مختلفی دارد.



کار گروهی

- ۱- پس از مشورت، با کلمه‌های «اسلام» و «ایران» سه جمله در زمان‌های گذشته، حال و آینده بسازید.
- ۲- درباره‌ی شکل‌های زبان (گفتار، نوشتار و اشاره) با ذکر نمونه‌هایی گفت و گو کنید.
- ۳- درباره‌ی زندگی و شخصیت یکی از بزرگان ایران که در پرتو تمدن اسلام، به زبان و ادبیات فارسی خدمت کرده است، تحقیق کنید و نتیجه را به کلاس ارائه دهید.

نوشتن

- ۱- ده کلمه‌ی مهمّ املائی از درس پیدا کنید و بنویسید.
- ۲- در یک بند، تفاوت خطّ فارسی، عربی و انگلیسی را بنویسید.
- ۳- جدول زیر را کامل کنید.

گذشته	حال	آینده
نوشتم
.....	می‌بینی
.....	خواهد رفت
خواندیم
.....	می‌نویسید
.....	خواهند گفت

- ۴- با هر یک از ترکیب‌های زیر جمله‌ای زیبا بنویسید.

تمدّن اسلامی :

سلمان فارسی :

دیوان حافظ :

۵- املا

املا در دوره‌ی راهنمایی، شامل دو بخش است :

(۱) متن املائی به صورت تقریری.

(۲) فعالیت‌هایی که هدف تقویت املا و درست‌نویسی دارند.

اسوه‌ی نیکو



پیامبر گرامی اسلام، محمد بن عبدالله (ص)، در آداب و رفتار و اخلاق، اسوه‌ی عالمیان است. آن چنان که خداوند مهربان در قرآن کریم می‌فرماید: «به درستی که رسول خدا برای شما، اسوه و نمونی نیکویی است». (سوره‌ی احزاب / آیه‌ی ۲۱)

در این درس با برخی از ویژگی‌های اخلاقی و رفتاری آن بزرگوار آشنا می‌شویم:

رسول اکرم، صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ، با فرزندان خود به مهر و عطف رفتار می‌کرد و می‌فرمود: «فرزندان ما پاره‌ی جگر ما هستند». گاه، وقتی به سجده می‌رفت، حسن (ع) و حسین (ع) برگردن و پشتش می‌نشستند و او چندان در سجده می‌ماند تا آنان پایین بیایند و گاهی به آرامی آنان را پایین می‌آورد و از سجده برمی‌خاست و هر دو را در برمی‌گرفت و بر صورتشان بوسه می‌زد.

رسول اکرم، صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ، با خدمت‌کارانش نیز رأفت و عطف داشت.

انس بن مالک می‌گفت: «در مدت ده سال که شبانه‌روز در خدمت و در خانه‌اش بودم، یک بار تند خویی و سخن درشت از او ندیدم و نشنیدم».

در میان جمع، گشاده‌رو بود و در تهایی، سیمایی محزون و متفکر داشت. هرگز به روی کسی خیره نگاه نمی‌کرد و بیش‌تر اوقات چشم‌هایش را به زمین می‌دوخت. در سلام کردن به همه، حتی به کودکان، پیش‌دستی می‌کرد. هرگاه به مجلسی وارد می‌شد، نزدیک‌ترین جای خالی را اختیار می‌کرد. از بیماران عیادت می‌کرد. سخن هم‌نشین خود را نمی‌بُرد. بیش از حد لزوم، سخن نمی‌گفت و اجازه نمی‌داد کسی جز در مقام دادخواهی، در حضور او از دیگری بد بگوید و یا به کسی دشنام دهد.

هیچ‌گاه زبانش را به دشنام نمی‌آلود. بد رفتاری با شخص خود را می‌بخشید ولی درباره‌ی کسانی که به حریم قانون تجاوز می‌کردند، گذشت و مدارا نداشت.



در زندگی از تجمل دوری می‌جست. در کارهای منزل به خانواده‌اش کمک می‌نمود و چون بانگ اذان را می‌شنید، به نماز می‌رفت.

سعدی، شاعر و نویسنده‌ی توانای زبان و ادب فارسی، در ستایش پیامبر بزرگوار اسلام، سروده‌ای دارد که چند بیت آن را می‌خوانیم:

ماه فرو ماند از جمال محمد (ص) سرو نباشد به اعتدال محمد
آدم و نوح و خلیل و موسی و عیسی آمده مجموع در ظلال محمد
سعدی، اگر عاشقی کنی و جوانی عشق محمد بس است و آل محمد
کلیات سعدی، بخش مواعظ



خودارزیابی

- ۱- رفتار پیامبر (ص) با امام حسن (ع) و امام حسین (ع) در دوران کودکی آن‌ها چگونه بود؟
- ۲- کدام رفتار پیامبر (ص) با دیگران، برای شما جالب‌تر است؟ چرا؟
- ۳- به نظر شما چرا پیامبر (ص) بدر رفتاری با خویش را می‌بخشید اما نسبت به قانون شکنی گذشت و مدارا نداشت؟
- ۴-

نکته‌ی اول

به جمله‌های زیر توجه کنید :

– رسول اکرم (ص) با فرزندان خود به مهر و عطوفت رفتار می‌کرد.

– سختی و رنج، کار خود را کرد.

– باید به شکیبایی و بردباری عادت کنیم.

همان‌گونه که می‌بینید، کلماتی که در جمله‌های بالا زیر آن‌ها خط کشیده شده، تقریباً هم‌معنا هستند. به این کلمات «**مترادف**» می‌گویند. نویسندگان با استفاده از این گونه واژه‌ها، متن را زیباتر و تأثیرگذارتر می‌کنند.

نکته‌ی دوم

به این دو جمله توجه کنید :

۱– پیامبر (ص) دشنام نمی‌داد.

۲– پیامبر (ص) زبانش را به دشنام نمی‌آلود.

۱– دندان‌های ایشان سفید بود.

۲– دندان‌های ایشان چون دانه‌های مروارید می‌درخشید.

جمله‌های شماره‌ی (۱) و (۲) هر دو پیام یکسانی دارند اما جمله‌ی دوم زیباتر و دل‌پذیرتر است.

دلیل زیبایی جمله‌ی دوم چیست؟

هرگاه بخواهیم مقصود خود را بیان کنیم، از «**زبان**» استفاده می‌کنیم اما وقتی بخواهیم همان

مقصود و منظور را زیباتر و تأثیرگذارتر بگوییم، از «**ادبیات**» بهره می‌گیریم.



کار گروهی

۱– درباره‌ی ویژگی‌های دیگر اخلاقی و رفتاری پیامبر (ص) گفت‌وگو کنید.

۲– خداوند در قرآن، پیامبر (ص) را «**أسوه**» یعنی سرمشق و نمونه معرفی کرده است. چگونه

می‌توانیم از رفتار پیامبر (ص) برای زندگی بهتر سرمشق بگیریم.

۳– شعر دیگری درباره‌ی پیامبر (ص) یا یکی از معصومین علیهم‌السلام، به کلاس بیاورید و

درباره‌ی آن گفت‌وگو کنید.

نوشتن

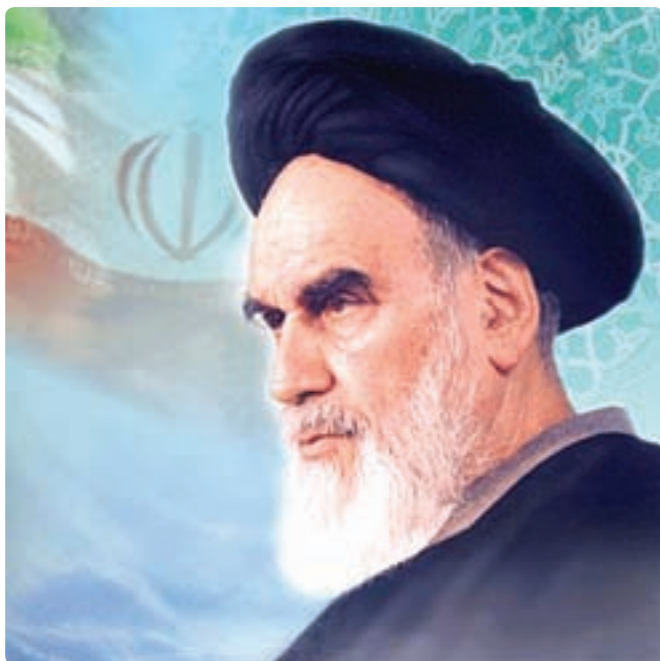
- ۱- با مترادف‌های زیر جمله بسازید.
رأفت و عظوفت : زیبایی و جمال : اعتدال و تناسب :
- ۲- جمله‌های «ادبی» زیر را به صورت زبانی بنویسید.
- صبحگاهان، خورشید به چهره‌ی شهر لبخند می‌زند.
- پیامبر چون نسیم، نرم و مهربان و چون گل متبسم و خندان بود.
- گل، یک تابلوی نقاشی قشنگ است که خداوند در برابر چشمان ما قرار داده است.
۳- با توجه به شعر درس، مترادف واژه‌های زیر را بنویسید.

مترادف	واژه
	سایه‌ها
	کافی
	زیبایی
	خاندان

۴- انشا

- برای نوشتن انشا به موارد زیر توجه شود :
- ۱) بهره‌گیری از آیات، احادیث، اشعار و ضرب‌المثل‌های متناسب با محتوا بر ارزش نوشته می‌افزاید.
 - ۲) ساده‌نویسی و پاکیزه‌نویسی رعایت شود.
- * موضوع انشا، آزاد است اما بهتر است متناسب با عنوان فصل و محتوای درس باشد.

امام خمینی (ره)



روزی که به دنیا آمد (مهر ماه ۱۲۸۱ خورشیدی)، هیچ کس فکر نمی کرد که سال های بعد، مسیر تاریخ ایران و اسلام را عوض خواهد کرد و میلیون ها انسان آزادی خواه و مظلوم جهان، نامش را یک صد افریاد خواهند کشید. آن روز، مثل همدی روزهای دیگر بود؛ تنها تفاوتش این بود که صدها سال پیش از آن در چنان روزی بزرگ ترین بانوی عالم، حضرت فاطمه زهرا، سلام الله علیها، متولد شده بود.

چند ماه از تولد روح الله گذشته بود که صدای شلیک گلوله ای در کوره راه کوهستان های میان خمین و اراک پیچید. به دنبال آن، سواری سرفراز از پشت اسب بر خاک افتاد. آن سوار، پدرش، مصطفی بود که به دست مزدوران خان، ناجوان مردانه هدف گلوله قرار گرفت و از پا درآمد. روح الله بی آن که خود بداند، در چند ماهگی، فرزند شهیدی دلاور شد. بدین گونه بود که این کودک بدون داشتن هیچ خاطره ای از پدر، بزرگ شد. وقتی به سن تحصیل رسید، او را در شهر خمین به مکتب خانه فرستادند. در هفت سالگی توانست قرآن را ختم کند. وی تا نوزده سالگی در خمین درس خواند و برای ادامگی تحصیل، حوزه ی علمیه ی اراک را برگزید. در آن جا، با استادی آشنا شد که مدتی بعد یکی از مهم ترین حوزه های علمیه ی اسلامی را در قم تأسیس کرد. این عالم بزرگ، آیت الله عبدالکریم حائری (ره) بود.

امام از دوره ی نوجوانی و جوانی سعی می کرد در همه ی زمینه ها رشد و پیشرفت کند. مهربانی، سادگی، فروتنی، خوش بیانی، نظم و دقت و سیمای جذاب از ویژگی های درخشان ایشان بود. در همان دوران جوانی، صاحب خصوصیات اخلاقی و اعتقادی خاصی شد که سال ها بعد، تأثیر بسیار زیادی بر دیگران گذاشت و دنیای اسلام را دگرگون کرد.

پس از درگذشت آیت الله العظمی بروجردی (ره)، در سال ۱۳۴۰، بسیاری از علما و روحانیون، ایشان را به مرجعیت انتخاب کردند.

امام خمینی، در سال ۱۳۴۱، مبارزه ی آشکار و سخت خود را با شاه و بیگانگان آغاز کرد و

مردم ایران که فریاد او را حرف دل خود می‌دانستند، با طرفداری و اطاعت از وی مخالفت خود را با حکومت پهلوی نشان دادند. حکومت شاه در پانزدهم خرداد ۱۳۴۲، آیت‌الله خمینی، رهبر نهضت اسلامی ایران، را دستگیر و زندانی کرد. مردم به نشانه‌ی اعتراض و حمایت از امام خمینی (ره) در بسیاری از شهرهای ایران تظاهرات کردند و شمار فراوانی از آن‌ها به دست مأموران شاه به شهادت رسیدند. سرانجام حکومت پهلوی امام خمینی (ره) را از زندان آزاد کرد و در سیزدهم آبان ۱۳۴۲ نخست به کشور ترکیه و سپس به شهر نجف عراق، تبعید نمود. در سال ۱۳۵۶، فرزند بزرگوار امام خمینی (ره)، حاج آقا مصطفی، در نجف به طرز مرموزی به شهادت رسید. امام خمینی تا سال ۱۳۵۷ علاوه بر تدریس در حوزه‌ی علمیّه‌ی نجف و تألیف کتاب، پرچم مبارزه با ظلم و ستم شاه و کشورهای استعمارگر، به ویژه آمریکا را برافراشته نگاه داشت. حکومت عراق به درخواست شاه، اقامت امام خمینی را در آن کشور ممنوع کرد. امام خمینی نیز ناگزیر به پاریس رفت و از آن جا رهبری نهضت مردم ایران را که در آن زمان به یک انقلاب بزرگ تبدیل شده بود، بر عهده گرفت.

نیمه‌های پاییز سال ۱۳۵۷ بود. برخلاف همه‌ی پاییزها که کلاس‌های درس مدارس و دانشگاه‌ها فعال بودند، در آن پاییز دانش‌آموزان و دانشجویان به فرمان امام اعتصاب کرده بودند و به مدرسه‌ها و دانشگاه‌ها نمی‌رفتند. دیگر نه میز و نیمکتی در کار بود و نه معلمی که مثل همیشه بیاید و درس بدهد. همه به فرمان امام در کوچه‌ها و خیابان‌ها تظاهرات می‌کردند و درس انقلاب را به بانگ بلند به گوش

جهانیان می‌رسانند. آن روزها ملت، یک آموزگار، یک معلم و یک استاد داشت و او کسی جز امام خمینی (ره) نبود. سرانجام پس از آن که هزاران زن و مرد مسلمان و انقلابی به شهادت رسیدند، انقلاب اسلامی ایران به پیروزی نزدیک شد. شاه در دی ماه همان سال از ایران گریخت و امام خمینی روز ۱۲ بهمن پس از ۱۵ سال دوری از وطن، با استقبال باشکوه مردم به میهن بازگشت. ده روز بعد در ۲۳ بهمن ۱۳۵۷، مردم ایران، انقلاب اسلامی خود را به رهبری امام خمینی به پیروزی رسانند. نظام شاهنشاهی و اژگون و جمهوری اسلامی ایران، پایه‌گذاری شد.

امام خمینی پس از پیروزی انقلاب بیش از ده سال، رهبری کشور را بر عهده داشت. در زمان رهبری، خصوصیات دوران جوانی و میان‌سالی خویش را حفظ کرد و هم‌چنان افتاده و فروتن بود. هیچ‌گاه قدرت، او را از یاد خدا و محبت به مردم، غافل نساخت. مردم نیز او را از جان و دل دوست می‌داشتند. او محبوب همه‌ی مسلمانان جهان و مایه‌ی افتخار مردم ایران بود. امام خمینی در این دوران در خانه‌ای ساده زندگی می‌کرد. سرانجام شب چهاردهم خرداد ۱۳۶۸ فرا رسید؛ شبی غم‌بار و تلخ، شبی که محبوب‌ترین شخصیت جهان اسلام به خدا پیوست. امام رفت اما راه او به یادگار ماند.

اکنون جمهوری اسلامی ایران که میراث‌گران بهای اوست، به دست همه‌ی مردم ایران به ویژه نوجوانان و جوانان سپرده شده تا از آن مانند جان خویش نگهبانی کنند.

کتاب «امام خمینی (ره)»، نوشته‌ی امیرحسین فردی، با تلخیص



خودارزیابی

- ۱- چند ویژگی اخلاقی حضرت امام خمینی (ره) را در دوره‌ی نوجوانی و جوانی بیان کنید.
- ۲- چرا در دوره‌ی انقلاب، همه‌ی ایران یک معلم داشت؟
- ۳- به نظر شما راز محبوبیت بنیان‌گذار جمهوری اسلامی چیست؟
- ۴-



دانش‌های زبانی و ادبی

نکته‌ی اوّل

به این جمله‌ها توجه کنید :

۱- صدای شلیک گلوله‌ای در کوره راه پیچید.

۲- چرا امام (ره) به شهر نجف تبعید شد؟

۳- شهیدان را یاد کنید.

۴- چه انقلاب بزرگی!

جمله‌ی اوّل، خبری را به ما می‌دهد. به این جمله **جمله‌ی خبری** می‌گویند. جمله‌ی دوم، پرسشی را مطرح می‌کند. به این جمله **جمله‌ی پرسشی** یا «سؤال‌ی» می‌گویند. جمله‌ی سوم، امر به انجام کاری یا درخواست انجام کاری را مطرح می‌کند. به این جمله **جمله‌ی امری** می‌گویند. آخرین جمله، احساس ما را نسبت به چیزی یا کسی نشان می‌دهد. به این جمله **جمله‌ی عاطفی** می‌گویند.

نکته‌ی دوم

پیش از این دانستیم که هر متنی یا نظم است یا نثر. نظم، انواع و اقسامی دارد؛ مانند غزل، مثنوی، رباعی و قطعه.

نثر نیز انواعی دارد. یکی از انواع نثرها، **نثر ساده** است. در نثر ساده، نویسنده، بسیار طبیعی، روان و ساده می‌نویسد و بیش‌تر در پی آن است که پیام خود را به درستی به مخاطب برساند. نوع دیگر نثر، **نثر ادبی** است که نویسنده به زیبایی نوشته، توجه فراوان دارد تا تأثیر سخن خود را بیش‌تر کند.



کار گروهی

- ۱- امام خمینی (ره) شاگرد و پیرو راه پیامبر (ص) بود. چه خصوصیتی از پیامبر در اخلاق و رفتار او دیده می‌شد؟
- ۲- خاطراتی از مبارزات امام خمینی (ره) و دوران انقلاب را در کلاس بازگو کنید.
- ۳- درباره‌ی این مصراع حافظ «دیو چو بیرون رود فرشته درآید» که در سال ۱۳۵۷ بسیار مشهور بود، گفت‌وگو کنید.



نوشتن

- ۱- با کلمه‌ها و ترکیب‌های زیر جمله‌های جدید بسازید:
حوزه‌ی علمیّه : سیمای جذّاب :
مظلوم : مرجعیّت :
تأسیس : اعتراض :
- ۲- برای هر یک از انواع جمله، نمونه‌ای بنویسید.
- ۳- درباره‌ی مصراع «دیو چو بیرون رود فرشته درآید» یک بند به نثر ساده بنویسید.
- ۴- خاطره‌ای را از دوران انقلاب (با مراجعه به کتاب‌ها یا اشخاص) بنویسید.
- ۵- املا

– درس املا، فرصتی است برای ارزش‌یابی مهارت «گوش دادن» و «نوشتن».

– معلّم می‌تواند در املاّی کلاس، تصحیح املا را به دانش‌آموزان واگذار نماید و آن‌ها را هدایت و نظارت کند. این عمل، به یادگیری، عمق بیش‌تری می‌بخشد.

ولای علی (ع)

۱ علی آن شیر خدا شاه عرب انستی داشته با این دل شب
 شب ز آسرا علی آگاه است دل شب محرم بمرانده است
 فجر تماشینی آفاق شکافت چشم بیدار علی خفته نیافت
 ناشناسی که به تاریکی شب می برد شام یتیمان عرب
 ۵ عشق بازی که بم آغوش خطر خفت در خوابکه پیغمبر
 آن دم صبح قیامت تاثیر حلقی در شد از او دامن گیر
 دست در دامن مولا زد در که علی بگذرد از ما مگذرد
 شال می بست و ندایی منبهم که کمر بند شهادت محکم
 شردان مست ولای تو علی جان عالم به فدای تو علی

نعمتین شرباره



حکایت

چشمه‌ی زاینده

حکیمی پسران را پند همی داد که جانان پدر، هنرآموزید
که مُلک و دولت دنیا اعتماد را نشاید و سیم و زر در سفر به
محلّ خطر است؛ یا دزد به یک بار ببرد یا خواجه به تفاریق
بخورد اما هنر، چشمه‌ی زاینده است و دولت پاینده و اگر
هنرمند از دولت بیفتد، غم نباشد که هنر در نفس خود دولت
است، هنرمند هر جا رود، قدر بیند و بر صدر نشیند و بی هنر،
لقمه چیند و سختی بیند.

گلستان سعدی





توانا بود هر که دانا بود

زدانش دل پیر، برنا بود

فردوسی

فصل دوم

علم و فرهنگ

- دانش
- سرزمین علم و فرهنگ
- چرا زبان فارسی را دوست دارم؟
- سفرنامه‌ی اصفهان

دانش

کمیل گفت: امیرالمؤمنین، علی بن ابی طالب (ع)، دست مرا گرفت و به بیابان برد. چون به صحرا رسید، آهی بلند کشید و گفت: «ای کمیل، این دل‌ها هم چون طرف‌هاست و بهترین آن‌ها نگاه‌دارنده‌ترین آن‌هاست. پس آن چه تو را می‌گویم، از من به خاطر دار.

ای کمیل، دانش به از مال است که دانش، تو را پاسبان است و تو مال را نگهبان. مال با هزینه کردن کم آید و دانش با پراکنده شدن بیفزاید.

ای کمیل، آدمی در زندگی به دانش، طاعت پروردگار آموزد و برای پس از مرگ، نام نیک اندوزد و دانش، فرمان‌گذار است و مال، فرمان‌بردار.

ای کمیل، گنجوران مال، مرده‌اند، گرچه زنده‌اند و دانشمندان، چندان که روزگار پایید، پاینده‌اند. تن‌هاشان ناپایدار است و نشانه‌هاشان در دل‌ها آشکار.

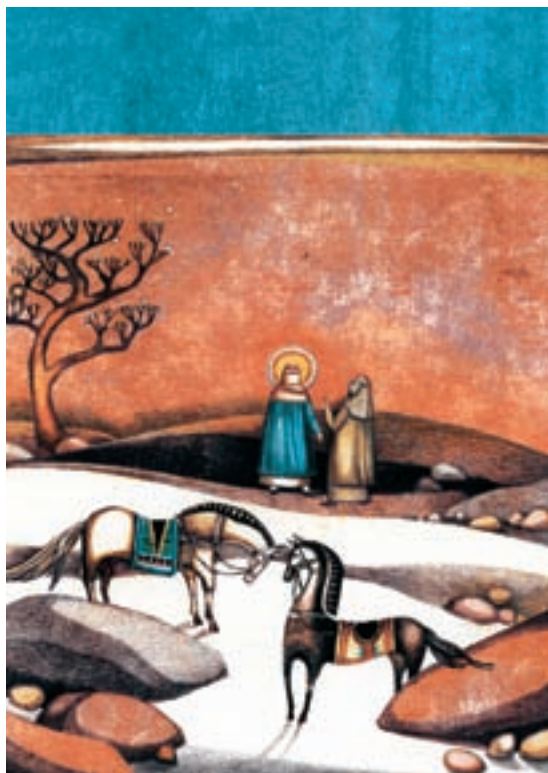
هیچ‌یک از شما جز به پروردگار خود امید بندد و جز از گناه خود نترسد و چون کسی را چیزی پرسند که نداند، شرم نکند که گوید ندانم و هیچ‌کس شرم نکند از آن که چیزی را که نمی‌داند، بیاموزد».

و به جابر، پسر عبدالله انصاری، فرمود:

«جابر، دنیا بر چهار چیز برپاست: دانایی که دانش خود را به کار برد، نادانی که از آموختن

سرباز نزند، بخشده‌ای که در بخشش خود بخل نکند و درویشی که آخرت خویش را به دنیای خود نفروشد. پس اگر دانشمند دانش خود را تباه سازد، نادان به آموختن پردازد و اگر توانگر در بخشش خویش بخل ورزد، درویش، آخرتش را به دنیا دربارد.»

نج البلاغه، ترجمه سید جعفر شهیدی



خودارزیابی

- ۱- امام علی (ع) درباره‌ی دانش چه سفارش‌هایی کرده است؟
- ۲- به نظر امام علی (ع)، چرا دانش بهتر از مال است؟
- ۳- چرا دانایی، توانایی است؟
- ۴-

نکته‌ی اول

به کلمه‌های زیر توجه کنید :

الف : صحرا، ظرف، نام، دنیا، فرمان، گل

ب : توانگر، نگهبان، دانشمند، فرمان‌گذار، بخشش، ناپایدار، گل‌ها.

کلمات بخش الف و ب چه تفاوتی با هم دارند؟ با کمی دقت درمی‌یابیم که کلمات بخش ب از دو یا چند قسمت ساخته شده‌اند؛ مثلاً :

نگهبان : نگه + بان، گل‌ها : گل + ها، دانشمند : دان + ش + مند

فرمان‌گذار : فرمان + گذار

ولی واژه‌های بخش الف چنین نیستند و تنها یک قسمت دارند : صحرا، نام و ...

به واژه‌های بخش الف «ساده» و به واژه‌های بخش ب «غیر ساده» می‌گویند. پس واژه‌های ساده

فقط یک جزء دارند.

نکته‌ی دوم

به این جمله توجه کنید :

مال با هزینه کردن کم آید و دانش با پراکنده شدن بیفزاید.

می‌بینید که نویسنده کلماتی هماهنگ مانند «آید» و «بیفزاید» را در پایان جملات نوشته‌ی خود آورده است که سخن او را زیباتر و دلنشین‌تر ساخته است؛ درست مثل قافیه در شعر که آهنگ شعر را زیباتر می‌کند. وقتی در تتر، کلمات هماهنگ بیاید، به آن «سجع» می‌گویند و آن نوشته را «مسجع» می‌خوانند. از سجع معمولاً در نوشته‌های ادبی استفاده می‌شود.

مطالعه (۱)

یکی از لذت‌بخش‌ترین کارها مطالعه است. مطالعه، قدم زدن در باغ سرسبز اندیشه و دانش بزرگان است. حضرت علی (ع) می‌فرماید : «کتاب‌ها، بوستان و باغ اندیشه‌وراندند».

برای آن که بهتر و مؤثرتر مطالعه کنیم، خوب است به این نکات توجه کنیم :

- ۱- فضا را برای مطالعه آماده کنیم. از هر چیزی که تمرکز و توجه ما را کم می‌کند، بپرهیزیم.
- ۲- به نور، هوا، جای نشستن، شکل نشستن درست، فاصله با کتاب و زمان مطالعه توجه کنیم.



کار گروهی

- ۱- برای هر یک از انواع جمله، نمونه‌ای مطرح و درباره‌ی آن بحث کنید.
- ۲- آیه، حدیث یا سروده‌ای درباره‌ی علم‌آموزی، تهیه کنید.
- ۳- درباره‌ی عواملی که باعث کُندی در مطالعه می‌شوند، گفت‌وگو کنید.



نوشتن

- ۱- متضاد واژه‌های زیر را از متن پیدا کنید.

متضاد	واژه
	نادانی
	جهل
	ثواب
	نافرمانی

- ۲- واژه‌ی «دانشمند» را در انواع جمله به کار ببرید.
- ۳- درباره‌ی روش‌های صحیح مطالعه یک بند بنویسید.
- ۴- فرق قافیه و سجع را در دو سطر بنویسید.
- ۵- عبارات زیر را توضیح دهید.
- دانشمندان چندان که روزگار پاید، پاینده‌اند.
- هیچ کس شرم نکند از آن که چیزی را که نمی‌داند، بیاموزد.
- ۶- انشا

- سعی کنید در نوشتن انشا، از سجع استفاده کنید.
- برای بهتر شدن محتوای انشا، می‌توانید از کتاب‌های مرتبط با موضوع بهره بگیرید.



سعدي

درس پنجم

سرزمین علم و فرهنگ

میمن عزیز ما، ایران، از دیر باز سرزمین علم و فرهنگ و مهد پرورش دانشمندان و شاعران و هنرمندان بزرگ به شمار می رفته است و ایرانیان همواره به ذوق و استعداد و علم و ادب و هنر معروف بوده اند. در این سرزمین از بیش از دو هزار سال پیش، مدرسه ها و دانشگاه های بسیاری وجود داشته است که در آن ها استادان دانشمند با تدریس و تألیف کتاب های سودمند و تربیت طالبان علم، چراغ علم و فرهنگ را برافروخته و روشن نگاه

داشته اند.



پیش از ظهور اسلام، دانشگاه جندی شاپور در خوزستان مرکز علمی بزرگی بود که در آن دانشمندان ایرانی در کنار دانشمندی از کشورهای دیگر به تدریس علمی مانند پزشکی و ریاضیات و نجوم اشتغال داشتند. با ظهور اسلام و مسلمان شدن مردم ایران، زمینه برای گسترش و رواج دانش و فرهنگ در کشور ما بیش تر فراهم شد؛ زیرا قرآن که معجزه‌ی پیامبر اسلام بود، خود یک «کتاب» بود و در آن به مسلمانان دستور داده شده بود، در طبیعت و در احوال انسان، تفکر و تحقیق کنند.

اگر به نقشه‌ی ایران دقت کنیم، در همه جای این سرزمین شهرهایی می‌بینیم که روزگاری دراز، مرکز درس و بحث و تعلیم و تعلم بوده‌اند و در هر یک از آن‌ها صدها قفیه و ادیب و فیلسوف و طبیب و ریاضیدان و منجم در ده‌ها مدرسه‌ی کوچک و بزرگ، به تعلیم و تربیت هزاران جوان مشغول بوده‌اند. در این مدرسه‌ها بازار مباحثه و مناظره و پرسش و پاسخ میان دانشمندان، گرم بوده است.

در ایران اسلامی، مسجد نه فقط محلی برای عبادت خدا و راز و نیاز و نماز، بلکه محل فراگیری علم و ادب نیز بوده است. در بیمارستان‌ها نیز علاوه بر آن که بیماران بستری و درمان می‌شده‌اند، دانشجویان پزشکی از طبیبان بزرگ درس می‌آموخته‌اند. در بسیاری از شهرها



خواجده نصیر

کتاب‌خانه‌های بزرگی وجود داشته است که اهل علم از آن‌ها استفاده می‌کرده‌اند. در یکی از این کتاب‌خانه‌ها که در مراغه و در کنار رصدخانه‌ی مراغه قرار داشته، چهارصد هزار جلد کتاب نگهداری می‌شده است. دانشمندی که در شهرهای دور از هم زندگی می‌کرده‌اند، با یکدیگر مکاتبه و داد و ستد علمی داشته‌اند و بسیار اتفاق می‌افتاده است که دانشمندی برای دست یافتن به یک کتاب و یا استفاده از مجلس درس یک استاد عالی قدر، از شهر خود مسافرت کند و با تحمل رنج و سختی در راه‌های پر خوف و خطر، خود را به شهری دیگر برساند.

هرگاه وزیرانی لایق و دانش‌دوست بر سر کار می‌آمدند و قدرت را به دست می‌گرفتند، بازار علم و ادب بیش‌تر رونق می‌گرفت. خواجه نظام‌الملک در سراسر عالم اسلام و از جمله در بسیاری از شهرهای ایران مدرسه‌های بزرگی به نام «نظامیه» ایجاد کرد که بسیاری از دانشمندان در آن‌ها تدریس یا تحصیل می‌کردند. سعدی، شاعر بزرگ و مشهور کشور ما، در نظامیه‌ی بغداد درس خوانده است. بعد از حملی مغول که سبب نابودی مدرسه‌ها و کتاب‌خانه‌ها در ایران شد، خواجه نصیرالدین توسی، که خود مردی دانشمند و دانش‌پرور بود، برای رفع خرابی‌ها و احیای مراکز علمی کوشش



امیر کبیر

بسیار کرد. خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی یکی دیگر از وزیران ایرانی است که به مدرسه‌ها و کتاب‌خانه‌ها رونق بسیار بخشید. در دوران نزدیک به ما نیز امیرکبیر که مردی لایق و دلسوز بود، سعی کرد با تأسیس دارالفنون، علم و صنعت را در ایران رواج دهد. اما با مخالفت بیگانگان و دشمنان ایران روبه‌رو شد و ناکام ماند. امروز در سراسر ایران میلیون‌ها دختر و پسر دانش‌آموز و صدها هزار جوان دانشجوی و طلبه در مدارس و دانشگاه‌ها و نیز در حوزه‌های علمیه‌ای مانند حوزه‌ی علمیه‌ی قم با جدیت به کسب علم و ادب مشغول‌اند و امیدوارند که بتوانند، با تلاش و از خودگذشتگی، بار دیگر کشور خود را به مقامی برسانند که مانند گذشته در راه علم و فرهنگ پیش‌تاز و پیش‌گام باشد.



خودارزیابی

- ۱- مسجد در گذشته، چه جایگاهی داشته است؟
- ۲- قرآن جز دعوت به گردش در طبیعت و تفکر در احوال انسان، چه دستورهایی داده است؟
- ۳- برای این که امروز نیز ایران در علم و فرهنگ پیش‌تاز و پیش‌گام باشد، چه باید کرد؟
- ۴-



دانش‌های زبانی و ادبی

نکته‌ی اوّل

به مثال‌های زیر توجه کنید :

- رسول اکرم، حضرت محمد (ص)، با فرزندان خود مهربان بود.
 - میهن عزیز ما، ایران، سرزمین علم و فرهنگ است.
 - سعدی، شاعر بزرگ و مشهور کشور ما، در نظامیه درس خوانده است.
- کلمه یا کلماتی که در متن مشخص شده‌اند، توضیح بیش‌تری درباره‌ی کلمه یا کلمه‌های پیش از خود می‌دهند. به این توضیح، «**بدل**» می‌گویند. معمولاً بدل بین دو ویرگول قرار می‌گیرد.

نکته‌ی دوم

- یکی از راه‌های زیباسازی متن، آوردن کلماتی است که هم از نظر **معنا** و هم از نظر **آهنگ**، با هم ارتباط داشته باشند. به جمله‌های زیر توجه کنید :
- بازار **مباحثه** و **مناظره** و پرسش و پاسخ میان دانشمندان گرم بود.
 - مسجد، محلی برای **راز** و **نیاز** و **نماز** است.
 - باید در راه علم و فرهنگ **پیش‌گام** و **پیش‌تاز** باشیم.
- آیا می‌توانید از درس‌های گذشته، نمونه‌های دیگر بیابورید؟



کار گروهی

- ۱- برای تفکر و تحقیق بهتر و بیش‌تر چه باید کرد؟
- ۲- ایرانیان برای حفظ فرهنگ و تمدن خود در مقابل بیگانگان چه کرده‌اند؟

۳- نوجوانان و جوانان برای رسیدن ایران عزیز، به شکوه علمی و فرهنگی در جهان چه نقش‌ها و وظایفی دارند؟

نوشتن

- ۱- با کلمه‌های تقریباً هم معنا و هم آهنگ زیر جمله بسازید.
تعلیم و تدریس : تفکر و تأمل :
مجلس و محفل : معروف و مشهور :
- ۲- بیست کلمه‌ی املائی درس را بنویسید.
- ۳- برای کلمه‌های زیر همراه با بدل جمله بسازید.
مثال : امیرالمؤمنین : امیرالمؤمنین، علی (ع)، چشمه‌سار دانش و معرفت است.
قرآن : فردوسی :
ایران : ابوعلی سینا :
۴- درباره‌ی تصویر زیر یک بند بنویسید.

سرردر دانشگاه تهران



۵- املا

- در نوشتن املا، به نحوه‌ی تلفظ و مطابقت آن با شکل نوشتاری دقت شود.
- پس از پایان املا، متن را یک بار دیگر مرور کنید.